

## Dr. Bagheri's Online Critical Thinking Courses

### دوره آموزش مهارت تفکر در تلویزیون آینه

#### جلسه سی و هشتم

#### انصاف فکری

### Intellectual Fair-mindedness

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (Critical Thinking) و با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه باشیم.

بهتر است فرد فرد اعضای جامعه به توانایی فکر کردن مجهز شوند تا بساط تقلید کورکورانه جمع شود. یافته های علمی به ما میگوید میتوان با آموختن اصول تفکر منطقی و منصفانه، کیفیت تفکر را در خود بالاتر برد و از این طریق بهتر زندگی کرد. آموزه های کریتیکال تینکینگ به ما یاد می دهد تا در تله های تصمیم گیری اشتباه نیفتیم، برای مشکلات خود راه حل های مناسبی پیدا کنیم، ویژگی های شخصیتی لازم را در خود ایجاد کنیم تا نسبت به دیگران با انصاف و شفقت برخورد کنیم و بنی آدم را اعضای یک پیکر بدانیم و دست از ستیز و دشمنی با دیگران برداریم و به همه فرهنگ ها احترام بگذاریم.

بدون شک، تفکر صحیح و بدور از جزم اندیشی نیازمند آموزش است و معمولاً به شکل طبیعی در کسی شکل نمیگیرد. امیدواریم این برنامه مورد توجه و استفاده شما عزیزان قرار گیرد.

طرح چند سوال: شما چقدر در بیان نظر دیگران انصاف دارید و به مخالفان فکری خود احترام می گذارید؟ آیا باورها و نظرات خود را با ادبیاتی فاخر بیان میکنید و نظرات مخالف خود را با ادبیاتی سخیف و تمسخرآمیز؟

ما در دنیای زندگی میکنیم که باورها و دیدگاههای متنوعی در حیطه های مختلف وجود دارد. برای اینکه بتوانیم دیگر نظرات و دیدگاهها را به درستی و یا حداقل نزدیک به آنچه هستند متوجه شویم باید بتوانیم با کنار گذاشتن جزم اندیشی، تعصب و پیش داوری به بررسی منصفانه آنها بپردازیم.

بله ما باید نسبت به دیگر گرایش ها نگاه منصفانه داشته باشیم تا بتوانیم درست آنها را بفهمیم.

برای اینکه متفکری منصف باشیم باید بتوانیم بدون پیش داوری و تعصب وارد چارچوب فکری دیدگاههای مختلف شد و آنها را درست آنگونه که هستند بفهمیم. اگر از چشم انداز خودمان به آن موضوع نگاه کنیم مطمئنا فهم دقیقی پیدا نمیکنیم.

انجام این کار بسیار دشوار است و این ویژگی هم از همان خصلت های است که مولفه مهارت را نیز در خود دارد. یعنی به صرف اینکه من بخواهم عملی نمیشود و ایجاد آن نیاز به تلاش و تمرین دارد.

این خصلت را باید در ادامه خصلت قبلی یعنی همدلی فکری جستجو کرد. اینکه بخواهیم و بتوانیم دیدگاه خودمان را برای مدتی کنار بگذاریم و در داخل چارچوب یک دیدگاه دیگر خود را قرار دهیم کار آسانی نیست. نیاز به تلاش و کوشش دارد.

چگونه میتوان این کار را تمرین کرد؟

در یک بحث سیاسی، یکی که طرفدار رابطه با آمریکا است با کسی که مخالف این رابطه است را در نظر بگیرید. از این دو نفر بخواهید برعکس عمل کنند، یعنی کسی که طرفدار این رابطه است در مخالفت صحبت کند و آنکه مخالف است در موافقت. این کار قبلا اشاره کردم تمرین همدلی فکری است.

انصاف فکری جایی خودش را نشان میدهد که ما با ادبیاتی فاخر و با کلمات و تعابیری احترام آمیز دیدگاه مخالف را توضیح دهیم. باید این توضیح آنقدر منصفانه باشد که کسی که ما را شناسد تصور کند ما طرفدار این دیدگاه هستیم.

مثال دیگر میتواند این باشد که از یک خدانا باور و یک خدا باور بخواهید هر یک از نقطه نظر طرف مقابل بحث کنند تا روشن شود چقدر با دیدگاهی که با آن مخالف هستند، آشنا هستند و چقدر منصفانه بحث میکنند.

قسمت اول یعنی توان بحث از دیدگاه طرف مقابل میشود همدلی فکری و جنبه دیگر آن، یعنی اینکه چقدر منصفانه و بدون تعصب بحث میکند، نشان دهنده انصاف فکری خواهد بود.

اگر من که مثلا موافق رویکرد جدایی دین از سیاست هستم در یک مهمانی باشم و از من خواسته شود از نقطه نظر کسانی که سیاست و دیانت را یکی میدانند صحبت کنم باید بگونه ای بتوانم بحث کنم که

کسی که من را نمی شناسد، باید فکر کند فی الواقع من طرفدار این رویکرد هستم. اینقدر باید در بیان نظرات طرف مقابل هم دقیق باشیم و حرفی را بزنییم که آنها تایید کنند نظرشان همین است که می شود همدلی فکری و علاوه بر آن در طرز بیان بگونه ای باشد که ذره ای حالت تمسخر یا انگ زدن در کلام دیده نشود.

حال خوب است که با این ملاک سخنرانی های مختلف را گوش کنیم، کتابها و مقالات را بخوانیم و ببینیم چقدر انصاف فکری در آنها رعایت شده است، یعنی نظرات مخالف با دقت و بدون تحریف از یک سو و عاری از هر نوع بی احترامی از سوی دیگر توضیح داده شده است.

برای تمرین عملی این فضیلت فکری میتوان به بررسی سخنرانی ها و مقالات پرداخت از این نظر که چقدر نظرات مختلف در آن با انصاف و بدون سوگیری و تعصب مطرح شده اند و در بیان مطلب اصل بیطرفی رعایت شده است.

اگر ملاحظه کردید کسی دیدگاه خود را با ادبیات فاخر و دیدگاه طرف مقابل را با کلماتی توهین آمیز توضیح داده، آن وقت میتوان نتیجه گرفت انصاف فکری رعایت نشده است.

پس انتخاب کلمات و واژگان بخوبی نشان دهنده میزان انصاف فکری فرد است. این موضوع سنجش میزان انصاف فکری را تا حدی آسان میکند. شما میتوانید متن یک نوشته یا سخنرانی را با تحلیل ادبیاتی که استفاده شده از نظر انصاف فکری بسنجید.

متفکر نقاد کسی است که با همه دیدگاه ها منصفانه برخورد می کند سعی نمی کند عقاید و نظریات خود را مشعش جلوه دهد و دیدگاه های دیگر را پیش پا افتاده و مبتذل.

پس وقتی کسی دیدگاهی را مطرح میکند و نظری را بیان میکند، شما میتوانید از روی نوع واژگانی که استفاده میکند میزان انصاف فکری او را تعیین کنید. این خصیلت در درون خود نزاکت فکری (**Intellectual Civility**) را هم شامل میشود. یعنی اینکه متفکر نقاد برای اینکه انصاف فکری داشته باشد هیچ دیدگاهی را مسخره نمیکند و به ریشخند نمیگیرند. اگر لازم باشد نقد میکند اما مسخره نه.

به همه دیدگاهها احترام می گذارد چه موافق و چه مخالف. زبان به توهین یا تمسخر دیگر باور ها و افکار باز نمیکند. نمیخواهد دیگران را تخطئه کند. در حوزه سیاسی به شدت این خصیلت نایاب میشود، چون سیاستمداران معمولاً بنای کارشان تخریب طرف مقابل است.

متفکر نقاد برخوردی یکسان و توأم با احترام با دیدگاه ها نظرات مختلف دارد. معمولاً افراد تلاش میکنند نظرات هماهنگ با دیدگاه خود را متعالی و حکیمانه و نظرات مخالف را حقیر و بی ارزش معرفی کنند. انصاف فکری یعنی احساسات و منافع ما در ارزیابی نظرات مختلف دخالت نکنند و ما نگاه منصفانه ای به دیدگاههای مختلف داشته باشیم.

با همان استانداردهایی که دیدگاههای موافق را مورد سنجش قرار می دهیم دیدگاههای مخالف را بسنجیم. انصاف فکری یعنی اینکه اجازه ندهیم سوگیری ها و تعصبات ما در بررسی و تحلیل و ارزیابی دیدگاههای مختلف دخالت کند.

ما انسانها بخاطر خودبرتر بینی و مابرتربینی ذاتی خود، معمولا منصفانه به نظرات مختلف نگاه نمی کنیم.